

حقوق اقوام ایرانی در گفت و گو با سالار سیف الدینی، پژوهشگر اقوام بررسی شد

ذهنیت سیاستمداران عامل محرومیت اقوام



مهرشادایمانی

زمانی جامعه‌ای رو به ابتذال می‌رود که مصیبت در آن عادی شود. وقتی برای نخستین بار خبر گشته‌شدن چند تن از کولبران در رسانه‌ها منتشر شد، بهت و حیرت و اندوه سراسر کشور را فرا گرفت اما هنگامی که جان باختن جان به‌دوشان محروم به دفعات اتفاق افتاد، موضوع از یک فاجعه انسانی به یکا پدیده می‌در آید و تغییر شکل داد. با آنکه وقتی مناطق جنوبی کشور با پدیده‌ای به نام ریزگردها مواجه شد، در روزهای ابتدایی، همه مسئولان برای یافتن چاره‌ای یا به مناطق آسیب‌دیده رفتند و آن‌که با جلسات متعدد، در ظاهر، همه همت خود را برای مهار ریزگردها صرف داشتند. شاید باید گفت که مصیبت در مناطق محروم ایران امری عادی است؛ زیرا اگر چنین نبود، در طول سال‌های تمدنی، سمت‌داران و



درخواست این موضوع ضرورت دارد که بدانیم هر استان مقتدر مالیات به‌خزانه عمومی واریزی می‌کند و چند آورده اقتصادی دارد. اکنون شهر مسجد سلیمان به میزان وسیعی نفت ایران را تامین می‌کند اما در دمشق در محرومیت زندگی می‌کنند. اختصاص بخشی از منایع به استان‌ها، طرح جالبی است و ممکن است بعضی از مشکلات را حل کند. اما چالی‌است و ممکن است بعضی از مشکلات را حل کند. اما اینکه کشور ایران به صورت قدرالی اداره شود، مانند آن است که هم‌مشکلی را به‌شکل دیگر حل کنیم. من هیچ کشور موفق‌تر از سراغ ندارم که با سیستم قدرالی - قومی‌تاریخ اداره شود. سیستم قدرالی کشورهایی مانند آمریکا و آلمان را پایه قدرت الیسم نواحی است. کشورهایی مانند پاکستان و نیجریه که قدر الیسم قومیتی را پذیرفته‌اند، فرومانده و ورشکسته‌اند و حتی نمی‌توانند امنیت کشور را فراهم کنند. اما قدر الیسم اقتصادی که مدنظر آقای رضایی بود، نواحی را بر اساس شاخص‌های اقتصادی تفکیک می‌کند. آنچه اکنون نیز مدیریت کشور ایران از نظر سیاسی دور نیست، به عنوان محله‌های منطقه‌ای یا قوم‌های محلی یا اقوام است. اما قدر الیسم اقتصادی که مدنظر آقای رضایی بود، مشکل عمده ایران در بحث مدیریت است. کشور ما به‌شدت از بحران مدیریت ننج می‌برد.

من هیچ کشور موفق‌تری را سراغ ندارم که با سیستم قدرالی - قومیتی اداره شود. سیستم قدرالی کشورهایی مانند آمریکا و آلمان را پایه قدرت الیسم نواحی است. کشورهایی مانند پاکستان و نیجریه که قدر الیسم قومیتی را پذیرفته‌اند، فرومانده و ورشکسته‌اند و حتی نمی‌توانند امنیت کشور را فراهم کنند. اما قدر الیسم اقتصادی که مدنظر آقای رضایی بود، نواحی را بر اساس شاخص‌های اقتصادی تفکیک می‌کند. آنچه اکنون نیز مدیریت کشور ایران از نظر سیاسی دور نیست، به عنوان محله‌های منطقه‌ای یا قوم‌های محلی یا اقوام است. اما قدر الیسم اقتصادی که مدنظر آقای رضایی بود، مشکل عمده ایران در بحث مدیریت است. کشور ما به‌شدت از بحران مدیریت ننج می‌برد.

● به‌عنوان سوال پایانی بفرمایید که چاره‌کار برای رفع بحران مدیریت وجود دارد؟
باید ذهنیت سیاستمداران نسبت به حقوق اقوام ایرانی تغییر کند. مفهوم حقوق شهروندی ایجاد می‌کند که فقر از قومیت و مذهب همه افراد در برخورداری از فرصت‌ها و امکانات برابر باشند، در غیر این صورت با معضلات اجتماعی و محرومیت نسبی مواجه می‌شویم. محرومیت نسبی وقتی ایجاد می‌شود که انتظارات افراد با واقعیت یکسان نباشد. وقتی یک‌چون در مناطق مرزی به وضعیت استان خود نگاه می‌کند، در می‌یابد که نسبت به پایتخت، استان مجاور یا حتی کشور همسایه در محرومیت زندگی می‌کند. تازه کسی که نسبت به استان خود نگرانی و وضعیت اقوام صورت‌نگیرد، مشکل مدیریت حل نخواهد شد. آقای روحانی در سال ۹۲، بیانیه‌ای «۱- ساده‌ای درباره برابری اقوام و اقلیت‌های مذهبی صادر و آقای بونسی را مسئول پیگیری موضوع کرد. بیانیه آقای روحانی بیشتر ناظر به وضعیت مردم اهل سنت بود اما چون واره اقوام نیز در آن بیانیه ذکر شده بود، برخی آن گفتار را مصادره به‌مطلوب به‌طور مثال جنوب آذربایجان غربی دارای محرومیت است اما در همان منطقه نیز افراد شافلی که در ده‌های سنی مذهب اگر این مهم پدید آید، شاید دیگر شاهد فقر مطلق در برخی نواحی باشیم. آیا امکان چنین تغییری وجود دارد؟

این موضوع که در صدی از منابع راه خود استان‌ها اختصاص دهیم، عقلانی به‌نظر می‌رسد. سوچای بحث دارد و سازمان برنامه‌پرد و چه کسانی که مدیریت منابع اقتصادی فعالیت می‌کنند باید برای اجرائی شدن نظر



- بومی گزینی شالوده کشور را از بین می‌برد و ضرورت دارد که دستور کار خارج شود
- ایران دچار توسعه نامتوازن است و تناسب منطقی میان توسعه استان‌ها وجود ندارد
- اختصاص بخشی از منابع به استان‌ها، طرح جالبی است و ممکن است بعضی از مشکلات را حل کند
- مسجد سلیمان به میزان وسیعی نفت ایران را تامین می‌کند اما در دمشق در محرومیت زندگی می‌کند
- اگر آژاده‌ای بر احقاق حقوق مردم وجود دارد باید سیاست‌گذاری جمعیتی صورت گیرد



بومی گزینی شالوده کشور را از بین می‌برد و ضرورت دارد که دستور کار خارج شود
ایران دچار توسعه نامتوازن است و تناسب منطقی میان توسعه استان‌ها وجود ندارد
اختصاص بخشی از منابع به استان‌ها، طرح جالبی است و ممکن است بعضی از مشکلات را حل کند
مسجد سلیمان به میزان وسیعی نفت ایران را تامین می‌کند اما در دمشق در محرومیت زندگی می‌کند
اگر آژاده‌ای بر احقاق حقوق مردم وجود دارد باید سیاست‌گذاری جمعیتی صورت گیرد

بسیاری از مشکلات عهده‌های مناطق حاشیه‌ای، اعم از ریزگردها، بی‌کاری، فقر و... با اراده حاکمیتی حل خواهد شد. اما نه تنها اراده در کار نیست، گاهی بر آن دامن هم زده می‌شود. برای مثال در موضوع کولبران، دولت به معنای عام، کولبران را که مجوز ندارند، به رسمیت نمی‌شناسد و می‌داند که بخش عمده کولبران، کولبران غیر مجاز هستند. مشکل این است که ریزگردها اجرا می‌شود در فقر توسعه یافته، چه در مناطق کرد نشین چه در مناطق جنوبی، با اراده واقعی همراه نیست. راه حل چیست؟

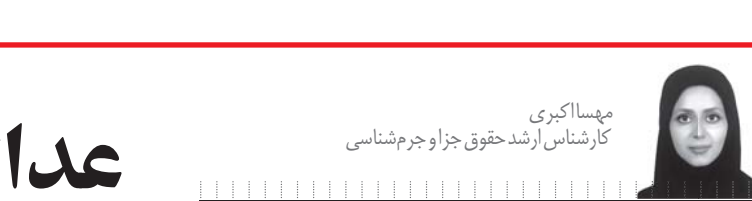
کشور ایران دچار توسعه نامتوازن است به نحوی که توسعه استان‌های مختلف کشور باید دیگر نتایج تسلسل منطقی ندارد. برای مثال مناطق شمالی استان کرمان توسعه نسبی قابل قبولی دارد، اما جنوب این استان در فقر به‌سری می‌برد. در کردستان نیز مشکل توسعه نامتوازن وجود دارد که از پس آن مشاغل کالبدی چون کولبری پدید می‌آید. در خوزستان موضوع کولبری باید به رویه‌های ابتدایی انقلاب بازگردیم. در سال‌های آغازین انقلاب به‌دلیل حضور نخبه‌های چپ‌گرا و پدید آمدن نوعی قوم‌گرایی، امنیت منطقه دچار مخاطره شد. هنگامی که جای نام‌ها شود، سرمایه‌گذاران تمایلی به سرمایه‌گذاری در آن منطقه ندارند زیرا سرمایه‌گذار به دنبال ثبات است. این رویه‌ها یک‌دهه در استان کردستان مشکل امنیتی وجود داشت و هنگامی که کل کشور در مسیر پیشرفت و توسعه قرار داشت، کردستان در وضعیت نامناسبی به‌سری می‌برد. نگاه غیر مطمئن سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی از یک‌سو و ذهنیت منفی و امنیتی حاکمیت سیاسی از سوی دیگر باعث ایجاد توسعه نامتوازن در این استان شد. ممکن است برخی بگویند که بخشی از علت عدم توسعه کردستان، به‌فقار منابع در این منطقه‌ای می‌گردد. شاید این سخن مهم باشد اما هیچ‌سیاست‌جانب‌گزینی برای رفع این مشکل در دستور کار قرار نگرفته است. آن دسته از افراد که چنین سخنی را اظهار می‌کنند، به بحث استفاده‌ها می‌توانند. در موضوع استفاده‌ها میان شیعه و سنی تفاوت چشم‌گیر مشاهده شد. مرجع استفاده‌ها خود مذهب یک شخص را مورد بررس قرار دهد. استفاده‌ها افراد باید بر اساس شایستگی باشد، به‌طوری که توانایی علمی و عملی فرد متقاضی سنجیده شود. هنگامی که این‌گونه نیست، مشاغل کاذب ایجاد می‌شود. کولبری هم از آن دست مشاغل کالبدی است که در طول سال‌های سال جریان داشته است و مربوط به چندسال اخیر نمی‌شود. ۸۸۱ مکرر قانون مدنی پیرامون اقلیت‌های دینی آمده است: «کافر از مسلمان

- مشکل عمده ایران در بحث مدیریت است. کشور ما به‌شدت از بحران مدیریت ننج می‌برد
- زمانی بحران برابری حل می‌شود که افراد به دلیل مذهب‌شان از تصدی پست‌ها محروم نشوند
- ایران از نظر سیاسی و قانون‌گذاری متمرکز، اما از نظر اداری و خدماتی غیر متمرکز است
- در موضوع استفاده‌ها میان شیعه و سنی تفاوت عظیمی گذاشته شده است
- در ایران تبعیض مترک‌م در حق اقلیت‌های مذهبی اعمال می‌شود

برخی از مدیران به دلیل تنگ کردن عرصه رقابت به نفع خود، به پنهان‌های واهی اعم از ایجاد اختلافات مذهبی یا دامن زدن به جدایی طلبی، هموطنان عزیز اهل سنت را از عرصه قدرت کنار زدند. در استان آذربایجان غربی حدود ۵۰ درصد کرده زبان سنی مذهب داریم. در طول قریب به چهار دهه هیچ استاندار سنی مذهب به سمت استانداری این استان منصوب نشده است. یعنی بین کل اهل تسنن، یک نفر شایسته پیدانمی‌شود که دست کم برای یک‌بار استاندار شود؟ بی تردید پیدا می‌شود اما سیاست‌هایی در کار است که اجازه ورود نخبگان اهل سنت را به کرسی‌های قدرت نمی‌دهد

جمعی صورت گیرد. در ایران ۳۰ تا ۴۰ میلیارد و ارگان حاکمیتی در بحث اقوام فعالیت می‌کنند و مشغول سیاست‌گذاری هستند اما هر کدام رویه خاص خود را دارد. به‌طور مثال صداوسیما، اسپاه، شورای امنیت، استانداری‌ها و... هر کدام بر اساس سلیقه خود عمل می‌کنند. اگر آژاده‌ای برای اجرائی تساوای حقوق مردم موجود است، ضرورت دارد که کل این سیاست‌گذارانی را جمع‌شود و رویه‌های ثابت برای مواجهه با قومیت‌ها در پیش گرفته شود. اگر نظام سیاسی دقیقی وجود نداشته باشد، از خارج از مرزها اقوام هدایت می‌شوند. عربستان، اسرائیل، آمریکا، جمهوری آذربایجان و دیگر کشورهایی که به هر علت با ایران اختلاف دارند، همه هم خود را بر تدوین سیاست‌های قومی صرف گذاشته‌اند و عجیب و غریب سیاست‌هایی که چنین کشورهایی مشغول وضعیت برنامه‌های دقیق برای اقوام ایرانی هستند و ما برای خود کاری انجام نمی‌دهیم.

● برخی باور دارند که حاکمیت در بحث عدم بومی‌گزینی مدیران عالی‌رتبه استان‌ها، حقوق اقوام را نادیده می‌گیرد. اما این موضوع به‌طور کامل صادق نیست. زیرا برآورده‌های مختلف مدیریت بر تساوای از افراد بومی مناطق اند. آیا بومی‌گزینی می‌تواند معیار سنجش بی‌افای حق باشد؟



مهسا اکبری کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

بررسی اقلیت‌های دینی و قومی موضوعی است که همواره علی‌رغم توجهی که در دنیا به آن نشان داده شده است، اما همچنان در سراسر این کره خاکی نادیده گرفته می‌شود. حق انسان‌هایی که از حقوق خود محرومند و هر چه می‌کوشند به آن نمی‌رسند؛ فقط به این دلیل که رنگ پوست، نژاد، دین و قومیت آن‌ها با اکثریت متفاوت است. این دغدغه همواره بر دوش انسان‌هایی است که از ابتدایی‌ترین حقوقشان محرومند. از این رو رسالت قلم ایجاد می‌کند که از حقوق آن‌ها نوشت.

هنگامی که چالش‌های قانونی اقلیت‌های دینی را در ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم، با تضادهایی در قانون و عملکرد مواجه می‌شویم. بر این اساس، اصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «با حکم آیه کریمه "ان هذاه امتکم امه واحده و انار یکم فاعبدون"، همه مسلمانان یک‌امند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیری به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد». همچنین در اصل سیزدهم قانون اساسی آمده است: «ایرانیان از نژاد، نژاد، قبیله‌ای و مذهب‌های مختلف دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.» دیگر آنکه اصل چهاردهم قانونی اساسی بیان می‌کند: «... دولت جمهوری اسلامی

یادداشت

عدالت؛ آرمان شهر دیرین اقلیت‌ها

ارث نمی‌برد و اگر در بین وره متوفای کافر مسلّم باشد وراثت کافر ارث نمی‌برد اگر چه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند». در قانون مجازات اسلامی نیز اگر مقتول مسلمان باشد برای قاتل مجازات قصاص در نظر گرفته شده است. اما در همین اگر مقتول غیر مسلمان باشد، مجازات قاتل دیه است. همچنین در مساله شهادت رویه دادگاه‌ها بر همین منوال است و شهادت غیر مسلمانان علیه مسلمانان پذیرفته نمی‌شود. در عین حال که اصل چهاردهم قانون اساسی دولت و مسلمانان را موظف به رعایت قسط و عدل کرده است اما در مقام عمل عدالت خاصه قانون گذار محقق نشده است و نتیجه چنین رویکردی تنزل شأن انسانی اقلیت‌هاست.

مشاهده می‌کنیم که در دین اسلام و همچنین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت به رعایت اصل حقوق مساوی افراد تاکید شده است، اما گاهی این عدالت رعایت نمی‌شود و حتی اقلیت‌ها از ابتدایی‌ترین حقوق خود همچون تحصیل در مقاطع بالا و حضور در ارگان‌های دولتی و... محرومند. این تضاد و تناقض مغضبی بزرگ است که باید به‌نحو حل شود. وجود اقلیت‌های قومی، زبانی، نژادی و دینی ناشی از تمدن‌های متفاوت است که موجب شکل‌گیری تنوع فرهنگی و اجتماعی در کشورها را فراهم می‌کند. از این رو توجه به حقیقت وجودی اقلیت‌های دینی و مذهبی امری ضروری است. در صورت احقاق این مهم می‌توان امیدوار بود که کشور ایران در عرصه بین‌المللی به عنوان کشوری حامی حقوق اقلیت‌ها محسوب شود. تحقق این موضوع چندان دور از ذهن نیست؛ زیرا زمینه‌های برقراری حقوق برابر میان احاد مردم در قانون اساسی ایران به‌عنوان محکم‌ترین سند ملی و خاستگاه اراده ملت آمده است.

ایران اعتقاد به مذهب رسمی کشور به معنای پذیرفتن فقه شیعه است. قوانین دیگر نیز محدودیت‌هایی در زمینه تحصیل، ارتع، استخدام، ارث، شهادت در دادگاه، قصاص علیه اقلیت‌های دینی وجود دارد. همچنین بر اساس قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶ متدین بودن به اسلام از شرایط اصلی استخدام در ارتش است. در این قانون آمده است: «اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی که تا تصویب این قانون استخدام شده‌اند از نظر ادامه خدمت از بند الف (متدین بودن به دین اسلام) مستثنی می‌باشند». بنابر این سیاست‌ادرات دولتی اجازه ندارند که به خاطر دین، فردی را استخدام نکنند یا اجازه دهند که یک‌زرتشتی مدیر ارشد باشد. به‌نظر می‌رسد که چنین رویکردی خلاف قانون باشد از این رو دولت باید جلوی آن را بگیرد. با این حال، که‌گاه از نسوی برخی مسئولین رده‌های پایین در امر تحصیل در مقاطع عالی یا فوق تخصصی مقاومت یا مانعی در استخدام اقلیت‌های دینی ایجاد می‌شود. در حالی که طبق قانون هیچ منعی در این باره وجود ندارد. تاکنون هیچ‌یک از اعضای جامعه اقلیت‌های دینی در ایران به عضویت دولت در نیامده‌اند و به سطح وزارت، معاونت وزارت یا به‌ست‌های ارشد نرسیده‌اند. در ماده چالش برانگیز ۸۸۱ مکرر قانون مدنی پیرامون اقلیت‌های دینی آمده است: «کافر از مسلمان